

تذنیب:

مرحوم آخوند با طرح این سوال که آیا اطاعت و عصیان واجب غیری باعث عقاب و ثواب می‌شود می‌نویسند:

«لا ریب فی استحقاق الثواب علی امتثال الأمر النفسی و موافقته و استحقاق العقاب علی عصیانه و مخالفته عقلا و أما استحقاقهما علی امتثال الغیری و مخالفته ففیه إشکال و إن کان التحقیق عدم الاستحقاق علی موافقته و مخالفته بما هو موافقة و مخالفة ضرورة استقلال العقل بعدم الاستحقاق إلا لعقاب واحد أو لثواب كذلك فیما خالف الواجب و لم یأت بواحدة من مقدماته علی کثرتها أو وافقه و أتاه بما له من المقدمات.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. در واجب نفسی ثواب و عقاب هست ولی در واجب غیری محل اشکال است.
  ۲. تحقیق آن است که موافقت و مخالفت امر غیری، مستلزم استحقاق ثواب و عقاب نیست. [بما هو موافقه و مخالفه: یعنی موافقت و مخالفت با ذی‌المقدمه ثواب و عقاب دارد و صرف امر غیری چنین لازمه‌ای ندارد]
  ۳. چراکه اگر کسی واجب را به جای نیآورد و هیچ کدام از مقدمات را به جای نیآورد عقلاً یک عقاب می‌شود و اگر همه مقدمات را به جای آورد و ذی‌المقدمه را هم به جای آورد عقلاً یک ثواب می‌گیرد.
- ایشان می‌نویسند:

«نعم لا بأس باستحقاق العقوبة علی المخالفة عند ترک المقدمة و بزيادة المثوبة علی الموافقة فیما لو أتى بالمقدمات بما هی مقدمات له من باب أنه یصیر حیثئذ من أفضل الأعمال حیث صار أشقها و علیه ینزل ما ورد فی الأخبار من الثواب علی المقدمات أو علی التفضل فتأمل جيدا و ذلك لبدهة أن موافقة الأمر الغیری بما هو أمر لا بما هو شروع فی إطاعة الأمر النفسی لا توجب قربا و لا مخالفته بما هو كذلك بعدا و المثوبة و العقوبة إنما تكونان من تبعات القرب و البعد.»<sup>۲</sup>

توضیح:

۱. البته عقاب بر ذی‌المقدمه از لحظه ترک مقدمه است.
۲. و ثواب بر ذی‌المقدمه اگر مقدمه را به عنوان مقدمه آورد [مثلاً از اول به قصد حج می‌رود سفر و نه اینکه

۱. کفایة الأصول (طبع آل‌البیت)، ص ۱۱۰.

۲. کفایة الأصول (طبع آل‌البیت)، ص ۱۱۰.



بخواهد سیاحت کند یا به منزل خود برود و بعد حج هم به جای آورد] بیشتر است چراکه عمل سخت‌تر است، یا بیشتر است چون تفضّل الهی است.

۳. ادله‌ای که ثواب بر مقدمه را مطرح می‌کند از همین جهت است.

۴. چراکه انجام مقدمه و ترک آن موجب قرب و بعد به خدا نمی‌شود. (البته اگر شروع به انجام مقدمه به معنای شروع انجام ذی المقدمه باشد، موجب قرب می‌شود)  
ما می‌گوئیم:

۱. ماحصل فرمایش مرحوم آخوند آن است که:

(الف) اتیان مقدمه ثواب ندارد چراکه اولاً: عقلاً مجموع ذی المقدمه و مقدمه یک ثواب دارد و ثانیاً: ثواب و عقاب به خاطر قرب و بعد به خدا می‌باشد و اطاعت و عصیان امر غیری، موجب قرب و بعد نمی‌شود. (مرحوم مشکینی در حاشیه کفایه<sup>۱</sup> هر دو دلیل را یکی می‌داند)

(ب) اما اینکه چرا امر غیری موجب قرب نمی‌شود، مرحوم آخوند به طور روشن معلوم نمی‌کنند اما شاید بتوان گفت مراد ایشان آن است که امور نفسی به خاطر تقرب بنده به خدا واجب شده‌اند و لذا هر چه تقرب به خدا می‌باشد، نفسی است. اما امور غیری به خاطر وصول به امور نفسی واجب شده‌اند.

(ج) اگر اتیان مقدمه‌ای، شروع در اتیان ذی المقدمه باشد موجب ثواب می‌شود و الاً ممکن است به سبب اینکه اتیان ذی المقدمه را سخت‌تر می‌کند باعث ثواب بیشتر شود کما اینکه ممکن است به سبب تفضّل ثواب به آن تعلق گیرد.

۲. کلام مرحوم آخوند برگرفته از فرمایش شیخ انصاری است. ایشان می‌نویسد:

«أنّ الحاكم بالثواب و العقاب إمّا العقل أو النقل، و ليس في شيء منهما دلالة على ذلك في المقام. أمّا العقل فهو مستقلّ بعدم استحقاق الآتي بالمقدّمة للثواب غير ما يترتب على ذیها، فضلاً عن حكمه باستحقاقه له. و السرّ في ذلك: أنّ الثواب على ما هو المعقول عندنا هو النفع المترتب جزاء على فعل الطاعات، فهو إذا من فروع الامتثال، و المعقول من الامتثال هو الإتيان بالمأمور به على وجه يكون الداعي إلى إيجاده هو الأمر، و الأمر الغیری لا يصلح لأن يكون هو الداعي إلى إيجاده ما تعلق به، فإنّ الشيء المطلوب بواسطة الغير من حيث إنّّه مطلوب بالغير لا داعي إلى إيجاده إلّا التوصل إلى ذلك الغير،

۱. ج ۱، ص ۵۵۲.



فالمطلوب الحقيقي هو الغير و الامتثال بمقدّماته ليس الامتثال بذلك الغير. و ذلك ظاهر لمن راجع وجدانه و أنصف من نفسه.

و يستكشف ذلك بملاحظة أوامر الموالى المتعلقة بمراداتهم فى الموارد المختلفة، فإنّ العقلاء بكافّتهم مطبقون على أنّ الإتيان بواجب واحد يتوقّف على مقدّمات عديدة و لو بلغ ما بلغت إطاعة واحدة و امتثال واحد، و التارك لواجب واحد و إن تعدّدت مقدّماته لم يعص إلّا معصية واحدة، و لا يترتّب على إطاعة واحدة أو معصية واحدة إلّا جزاء واحد.

و لا فرق فى ذلك فى نظر العقل بين أن يكون المقدّمة ملحوظة فى نفسها فى ضمن خطاب أصلىّ و بين أن لا يكون مدلولاً عليها إلّا بخطاب تبعيّ.<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. آنچه باعث ثبوت ثواب و عقاب می شود یا عقل است و یا نقل.
  ۲. در هیچکدام دلالتی بر ترتب ثواب و عقاب بر اوامر غیرى نیست.
  ۳. اما عقل: عقل می گوید کسیکه ذی المقدمه و مقدمه را آورد بیش از ثواب ذی المقدمه دریافت نمی کند.
  ۴. چراکه: ثواب یعنی نفع مترتب بر اطاعت.  
پس ثواب از لوازم امتثال است.
- امتثال هم عبارت است از ایجاد فعل به گونه ای که انگیزه فاعل، امر آمر باشد. و چون امر غیرى نمی تواند انگیزه فاعل باشد چراکه انگیزه فاعل در انجام امر غیرى، رسیدن به ذی المقدمه است و نه «اطاعت امر آمر».
۵. و این با مراجعه به عرف هم قابل فهم است.
  ۶. فرقی هم نمی کند که امر غیرى مورد تکلم واقع شده باشد یا بالتبع فهمیده شود.



۱. مطارح الأنظار (طبع جدید)، ج ۱، ص ۳۴۰.